

## بررسی نقش راهکارهای گفتمانی مستقیم و غیرمستقیم در ادبیت سوره نوح (ع)

عباس عرب \*

صادق غفاریور \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰

تاریخ تایید: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

### چکیده:

گزاره‌های سازنده زبان و طیف انتقال معنی از ذهنی به ذهن دیگر را برعهده دارد؛ اما مهم آن است که به‌هنگام ارائه این گزاره‌ها، اعتبار اجتماعی پیام‌رسان و پیام‌گیر حفظ گردد و آن پیام از میزان مطلوبی از ادبیت برخوردار باشد. شکل ساختاری گفتمان پیامبران در قرآن، گونه ممتاز و متمایز ادبیت است و ملاک آن، چندلایگی معنایی و صدور آن در جهت القای مقاصد پنهان و آشکار است. گفتمان حاکم بر سوره نوح که در ارتباط با دعوت مستمر نوح (ع) به سوی توحید و کیفیت این دعوت با قوم لجوجش است، الگوی بسیار مناسبی برای تأیید ادبیت گفتمان پیامبران در قرآن است. به‌همین جهت در این پژوهش تلاش بر آن است با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی وجوه ادبیت در نظام زبانی سوره نوح مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد راهکار گفتمانی غیرمستقیم که مؤدبانه‌ترین راهکار گفتمانی جهت حفظ اعتبار اجتماعی طرفین گفتگو است، بالاترین بسامد (۷۴٪) را در این سوره به‌خود اختصاص داده‌است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، سوره نوح، ادبیت، راهکارهای گفتمانی، راهکار غیرمستقیم.

---

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد. darab@um.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد. Sa.ghaffarpuor@mail.um.ac.ir

## ۱. مقدمه

ادبیّت موضوع علم فرضی ادبیات است و به واسطه ساختار و نقش خاص گفتمان ادبی تعریف می‌شود. «ادبیّت در ادبیات همانند پدیده زبان در مقوله گفتار است؛ یعنی آنچه که تمامی آثار ادبی در بیان مفاهیم انتزاعی از آن بهره می‌برد» (Mounin, 1974: 206). ادبیّت ویژگی منحصر به فردی است که متن ادبی را در نوع خود بی‌همتا می‌کند. از این منظر «ادبیّت نه تنها نقطه افتراق برجسته‌ای میان متن ادبی و غیر ادبی است؛ بلکه وجه تمایز یک اثر ادبی در مقایسه با سایر آثار ادبی نیز است» (Riffaterre, 1979: 8). دامنه پیدایش نشانه‌های ادبیّت به همان اندازه گسترده است که خلاقیت، سبک و ویژگی‌های منحصر به فرد هر ادیب متمایز می‌باشد؛ لذا «پژوهش درباره ادبیات نباید تنها به مطالعه صورت‌ها و آثار ادبی موجود پردازد؛ افزون بر آن، باید مجموعه ساختارهای مجازی ادبی را نیز بررسی کرد» (Todorov, 1971: 46).

## ۱-۱. بیان مسأله

ادبیّت متن، نتیجه گنش ادبی‌سازی آن است؛ بدین شکل که «هرگاه در یک متن، با استفاده از ساختارهای ظاهری و انتزاعی زبان، اعتبار اجتماعی طرفین پیام رعایت شود، آن متن در دایره ادبیّت قرار می‌گیرد» (Spencer, 1996: 4). از این منظر، «تنها میزان واقعی برای تشخیص ارزش ادبیّت یک متن، تداوم ارتباط پیام‌گیر و پیام‌رسان است» (Thomas, 1995: 9). بنابراین «همه اصولی که تاکنون نظریه پردازان در مورد ادبیّت

پیشنهاد کرده‌اند، باتوجه به کیفیت این ارتباط و به منظور مجهز کردن اثر به ابزار لازم برای برانگیختن تحسین پیام‌گیر، معنا می‌یابد» (Molinié & Pierre, 1998: 90).

زبان تجلی‌گاه طرز برخورد‌ها و رفتارهای مختلف اجتماعی است؛ زیرا «هر نوع تغییر ساخت ظاهری زبان، نمودی از تغییر عقیده و رفتار اجتماعی می‌باشد» (لطفی‌پور، ۱۳۶۲: ۲۷۲). بنابراین یک صورت زبانی ادبی در تمام بافت‌ها و موقعیت‌های رفتاری وجود ندارد؛ بلکه بنابر متغیرهای مختلف، صورت‌های ادبی‌سازی زبان تغییر می‌کند. این متغیرها شامل سه عامل: طرفین گفتگو (جنسیت، سن، قدرت و جایگاه اجتماعی گوینده و مخاطب) (حمرای، ۲۰۱۵: ۱۳۷)، موضوع گفتگو و بافت آن است (لهویمیل، ۲۰۱۳: ۱۶۵). زبان‌شناسان درباره ساخت‌های زبانی گفتمان و ارتباط آن با میزان ادبی‌بودن پیام و همچنین راهکارهای تداوم و یا قطع ارتباط میان پیام‌گیر و پیام‌رسان چارچوب‌هایی معرفی نمودند که نقطه عطف عمده آن‌ها این است که «هراندازه در یک گفتمان از راهکارهای گفتمانی غیرمستقیم بیشتر استفاده شود، آن گفتمان ادب‌مندتر است» (السامر، ۲۰۱۲: ۳۷). بر این اساس می‌توان راهکارهای گفتمانی را به دو بخش کلی مستقیم (صریح و بدون واسطه) و غیرمستقیم (ضمنی و باواسطه) تقسیم نمود.

قرآن کریم در درجه نخست به‌عنوان یک متن روش‌های گوناگونی را برای بیان مفاهیم والا و تأثیرگذاری بر مخاطب به کار گرفته‌است؛ به‌طوری که «می‌توان متن قرآن را نمونه والای

پیامبران مشهود است، می‌تواند الگوی مناسب ادبیت در دیگر متون باشد. گفتمان حاکم بر سوره نوح (ع) به جهت دربرداشتن لایه‌های متنی و وجوه معانی متعدد در گفتگوی میان نوح (ع) با قوم خود و خداوند، نشانگر رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان پیام‌گیر و پیام‌رسان است. همچنین از آن‌جاکه در این سوره گفتگو نقش محوری دارد و بافت ارتباطی میان پیام‌رسان و پیام‌گیر نیز حاکی از فضای غیررسمی میان آن‌هاست؛ لذا ساختار زبانی گفتمان آن، چندوجهی و تأویل‌پذیر است و کشف ارتباط میان وجوه مختلف، بر اهمیت پژوهش در این سوره می‌افزاید.

#### ۳-۱. پرسش‌های پژوهش

- گفتمان سوره نوح (ع) تا چه میزان با راهکارهای گفتمانی ادبیت همسو است؟  
- بیشترین راهکار گفتمانی مورد استفاده در گفتمان این سوره کدام است؟

#### ۴-۱. روش و چارچوب پژوهش

در گام نخست، تمام گفتگوهای رایج میان پیام‌رسان و پیام‌گیر در سوره نوح استخراج گردید و طبق ساختار زیر در جدول‌های مشخص، دسته‌بندی شد:

خداوند ← نوح	نوح ← خداوند
نوح قوم ← نوح	قوم نوح ← نوح

برای بررسی داده‌ها و دستیابی به نتیجه مناسب از روش تحلیل محتوا استفاده شد؛ لذا تمامی گفتگوها، تحلیل و بررسی شد و بر اساس شاخصه‌های ادبیت در جدول‌های مخصوص دسته‌بندی گردید تا بستری مناسب برای بررسی

متن ادبی دانست» (زیدان، ۱۸۸۶: ۲۳). اصلی‌ترین جنبه ارتباط با سخن الهی، حوزه شناختی آن است که زمینه استفاده معنوی آن را نیز فراهم می‌آورد؛ زیرا «فرامتن دینی دارای محتوایی است که از طریق ابزار زبان انتقال می‌یابد» (سعیدی روشن، ۱۳۸۶: ۸). تأمل در آیات قرآن و درک نکات ظریف ادبی آن، راز زیبایی کلام وحی را برای خواننده نمایان می‌سازد. «اسلوب قرآن همان شکل و صورت سخن است که در معنایی باشکوه و کلامی پرفروغ نمایان می‌شود و واقعیت‌ها را به زیبایی به تصویر می‌کشد» (ابوزهره، ۱۳۷۰: ۱۵۲). از جنبه‌های ادبیت قرآن علاوه بر شیوایی و رسایی کلام، قدرت تأثیرگذاری و برانگیختن عواطف انسانی است. «ذکر بسیاری از حقایق و نکات آموزنده قرآن، آن هم در قالبی بدیع و زیبا میزان تأثیرگذاری مفاهیم آن را دوچندان می‌سازد» (بومزیر، ۲۰۰۷: ۱۱۸). این موضوع در میزان فراوان شاهدهای قرآنی موجود در کتاب‌های ادبی و بلاغی قابل مشاهده است که متن قرآن را الگوی درست و مناسب ادبیت اعلام می‌نمایند.

در پژوهش حاضر تلاش بر آن است با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی ساختار زبانی گفتمان سوره نوح (ع) مورد تحلیل و ارزیابی قرارگیرد و باتوجه به اختلاف جایگاه اجتماعی میان پیام‌رسان و پیام‌گیر در این سوره، میزان ادبیت گفتمان استخراج گردد.

#### ۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف

کشف جنبه‌های ادبیت در گفتمان داعیان راه حقیقت در قرآن که نمونه والای آن در گفتمان

- حکیمه (۲۰۱۰م) در پایان‌نامه دکتر با عنوان «الملتقي في الخطاب القرآني» با بررسی آماری نظریه ادبیت در قرآن کریم چنین نتیجه گرفت که در تمامی کارگفت‌های قرآن، اعتبار اجتماعی پیام‌رسان و پیام‌گیر حفظ شده است.

- العمّوش (۲۰۱۱م) در پایان‌نامه «التلطف في لغة القرآن» ضمن اجرای نظریه ادبیت بر آیاتی با محوریت تقوا، مرگ و ترس چنین نتیجه گرفت که در تمامی این آیات، گفتمانی ادب‌محور از جانب پیام‌رسان (خداوند) به پیام‌گیر (انسان) حاکم است.

- السامر (۲۰۱۲م) در مقاله «التهديب الكلامي: دراسة اجتماعية تداولية» ضمن پیوند دادن نظریه ادبیت سخن به جامعه‌شناسی، به تحلیل چند الگوی متداول محاوره‌ای پرداخت و میزان ادب‌محوری آن‌ها را مورد بررسی قرار داد.

- الخطيب (۲۰۱۲م) در مقاله «مراعاة الأدب في القرآن الكريم» دو نوع رابطه خدا-انسان و انسان-انسان را از منظر زبانی مورد بررسی قرار داد و هر دو نوع رابطه را ادب‌مند دانست.

- حمراوی (۲۰۱۵م) در مقاله «نظرية التأدب في اللسانيات» به ارائه الگوهای مؤدبانه زبان که لیکاف (۱۹۷۳م) و لیچ (۱۹۸۳م) و براون و لوینسن (۱۹۸۷م) مطرح نمودند پرداخت و همه این الگوها را قابل انطباق بر تمام متون عربی دانست.

- لطفی‌پور (۱۳۶۲ش) در مقاله «بررسی زبان مؤدبانه در فارسی کنونی از نظر جامعه‌شناسی» با بررسی هنجارهای مؤدب بودن و قاعده‌های مؤدبانه گفتار چنین نتیجه گرفت که

موضوع و محتوای آن‌ها فراهم شود. برای عینی‌تر شدن تحلیل و امکان بررسی سنجیده‌تر، بسامد داده‌های برگرفته از گفتگوهای سوره، اندازه‌گیری شد و به کمک فنون آمار توصیفی، نتایج پژوهش تفسیر گردید.

#### ۱-۵. پیشینه تحقیق

درباره ساختارهای زبانی ادبیت در گفتمان، مطالعات گسترده‌ای صورت پذیرفت که از برجسته‌ترین آن‌ها می‌توان به کتاب «ادب‌مندی: برخی از ساختارهای فراگیر کاربرد زبان» (۱۹۸۷م) از براون و لوینسن (۱۹۸۷م) اشاره کرد. به عقیده نویسندگان این کتاب، «سه عامل فاصله اجتماعی، رابطه قدرت و درجه اجبار، به‌عنوان عوامل حفاظت‌کننده یا تهدیدکننده اعتبار اجتماعی پیام‌رسان و پیام‌گیر، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که هر اندازه این سه عامل شدت یا ضعف داشته باشد، نوع بیان پیام‌رسان نیز تغییر می‌کند» (القحطانی و الریاشی، ۲۰۱۶: ۶۴). پس از این‌که این نظریه در زبان‌شناسی مطرح شد، پژوهش‌های متعددی در زبان عربی و فارسی نیز صورت پذیرفت که به بررسی متون مختلف از منظر ادبیت پرداختند؛ از آن جمله:

- ابوتاکی (۲۰۰۵م) در کتاب «صور الأمر في العربية بين التنظير والاستعمال» با بررسی ساختارهای امر در زبان عربی به این نتیجه رسید که گاه مخاطب از ابزارهای تعدیلی خاصی برای دستوردادن استفاده می‌کند؛ لذا محتوای اصلی دستور را تغییر نمی‌دهد، بلکه با تکنیک‌هایی خاص، فشار آن را کمتر یا بیشتر می‌کند.

ادب یکی از سازه‌های توانائی کاربرد زبان در مراودات اجتماعی است.

- طالقانی (۱۹۹۸م) در مقاله «بررسی و تحلیل گونه‌های تعارف در زبان فارسی از منظر ادب‌مندی» ساختارهای مختلف تعارف در زبان فارسی را منطبق با بافت بیرونی زبان دانست و با بررسی آماری اثبات کرد که بیشتر این ساختارها مؤدبانه‌اند.

- اکبری (۲۰۰۲م) در مقاله «ادب‌مندی در ساختار زبان فارسی» با بررسی علل کاربرد زبان مؤدبانه در فارسی، بیشتر آن‌ها را به مسأله فرهنگ ارتباط داد.

- عبداللهی و همکاران (۱۳۹۳ش) در مقاله «بررسی فیلم کلاه قرمزی و پسرخاله از منظر ادب‌مندی» با بررسی شیوه گفتار شخصیت‌های این فیلم به این نتیجه رسیدند که شخصیت کلاه قرمزی در حدی مطلوب از ادب‌مندی قرار داد و بر خلاف آن، شیوه گفتار آقای مجری، در نقش تربیت‌کننده کودک، از حد مطلوب ادب‌مندی فروتر است.

- مقدسی نیا و سلطانی (۱۳۹۳ش) در مقاله «کاربردشناسی زبان و سازوکارهای ادب‌ورزی در برخی از ادعیه شیعه» با بررسی ساختارهای ادب‌مند در گفتگوهای انسان با خدا، چنین نتیجه گرفتند که انسان در هنگام طرح خواسته خود با خداوند، از سازوکار کوچک‌داشت خود و بزرگ‌داشت دیگری استفاده می‌کند.

باتوجه به پیشینه یادشده، تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی ساختارهای ادبیت در گفتمان پیامبران در قرآن و به‌ویژه گفتمان سوره نوح (ع)

نپرداختند. بنابراین می‌توان به‌درستی ادعا کرد که این نخستین اثری است که به بررسی میزان ادبیت در گفتمان سوره نوح (ع) می‌پردازد.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. مختصری درباره سوره نوح (ع)

داستان نوح (ع) و سرگذشت قوم او در سوره‌های متعددی از قرآن اشاره شده است؛ اما آنچه در این سوره آمده به دعوت مستمر نوح (ع) به سوی توحید و کیفیت این دعوت و چگونگی برخورد وی با قوم لجوجش که حاضر به ایمان آوردن نبودند، تأکید دارد. در این سوره مطالب دیگری متناسب با داستان حضرت نوح مطرح شده است. از آن جمله: نقل نصایح و مواعظ حضرت نوح؛ تأکید بر تقوای الهی و اطاعت از خدا و پیامبرش؛ شمارش نعمت‌های خدا و آثار و نشانه‌های توحید؛ ذکر اصول عقیدتی، فقهی، اخلاقی و اجتماعی؛ دعا‌های آموزنده حضرت نوح و شیوه دعا کردن. باتوجه به اینکه این سوره در مکه نازل شده و پیامبر (ص) و مسلمانان اندک آن زمان در شرائطی مشابه شرائط زمان نوح و یارانش قرار داشتند، مسائل زیادی را به آن‌ها می‌آموزد. از جمله اهداف ذکر این ماجرا می‌تواند این باشد که به مسلمانان آموزش می‌دهد که چگونه از طریق استدلال منطقی توأم با محبت و دلسوزی کامل دشمنان را تبلیغ کنند. همچنین هرگز در مسیر دعوت به سوی خدا خسته نشوند هرچند سال‌ها طول بکشد و دشمن کارشکنی کند. همچنین در یک دست و سائل تشویق و در دست دیگر عوامل

انذار را داشته باشند و از هر دو ابزار، در مسیر دعوت بهره گیرند.

که استفاده از راهکارهای غیرمستقیم و مجازگونه بیش از هر چیز باعث ادب‌محوری آن می‌شود.

در بخش‌های زیر تلاش می‌شود چگونگی پیوند عناصر زبانی برای تشکیل نظام زبانی ادب‌محور در سوره نوح مورد بررسی قرار گیرد. این پیوند در دو محور راهکار مستقیم و غیرمستقیم مطرح می‌شود. بدون شک هرگونه تغییر در ساخت واژگان و تعبیر گفتمان این سوره و همچنین تبدیل راهکار مستقیم به غیرمستقیم و بالعکس، موجب تغییر پیام آن می‌گردد.

## ۲-۲. ساختار زبانی سوره نوح (ع)

تحلیل ساختاری یکی از شیوه‌های نقدی جدید برای روشن کردن محتوای سوره‌های قرآن و تناسب آن با ساختار زبانی هر سوره است. این شیوه اصول و قواعد پذیرفته شده زبان‌شناسی را به خدمت گرفته تا در پرتو آن به علل و اسباب سبک خاص قرآن پردازد. کشف ساختارهای زبانی سوره نوح می‌تواند رازهای پنهان در زبان آن را برای مخاطب آشکار سازد و بخشی از جنبه اعجازی این سوره را نمایان کند. زیرا «بحث راجع به نظم و نوع گردآمدن مطالب قرآنی در کنار هم و انسجام یا ناهماهنگی بین آن‌ها را باید از جمله مسائلی شمرد که دانشمندان اسلامی از دیرباز مدنظر قرار داده‌اند. تعداد زیادی از نظریه‌پردازان مسلمان اصلی‌ترین عنصری را که معجزه بودن قرآن را به بار آورده است، سبک بیانی خاص این کتاب آسمانی می‌دانند» (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۷۷).

## ۲-۲-۱. راهکارهای گفتمانی مستقیم

راهکار مستقیم گونه‌ای از سخن است که «گوینده به واضح‌ترین، بی‌ابهام‌ترین و مستقیم‌ترین شکل، خواسته خود را مطرح می‌کند» (Brown & Levinson, 1987: 69). بنابر عقیده بسیاری از زبان‌شناسان، چون «این نوع بیان بیشتر در رابطه‌های دوستانه کاربرد دارد و طی آن پیام‌رسان به خدشه‌دار شدن اعتبار اجتماعی پیام‌گیر توجهی ندارد؛ از وضعیت ادب‌مندی دورتر است» (Goatly, 1995: 268 & Grebe, 2009).  
 ۴. مثلاً زمانی که معلم به دانش‌آموز می‌گوید: «فوراً تکالیف را بنویس»؛ به دلیل این که جایگاه اجتماعی دانش‌آموز، نازل‌تر از معلم است؛ معلم با دستور مستقیم، اعتبار اجتماعی پیام‌گیر را خدشه‌دار می‌کند. راهکار مستقیم، بنابر میزان آمرانه بودن، به ترتیب شامل امر مستقیم، پرسش مستقیم و گفت‌گوش است.

از آنجایی که تحلیل ساختار زبانی سوره‌های قرآن بر مبنای اصول زبان‌شناسی است؛ لذا بسیاری از اصول و مبانی آن را می‌توان در این نوع تحلیل یافت؛ از آن جمله بررسی میزان ادبیت گفتمان پیامبران در برخی سوره‌هاست. روابطی که گاه در واژگان گفتمان پیامبران در کنار هم قرار می‌گیرد، روابطی غیرمنتظره است. بدین شکل

## ۲-۲-۱-۱. دستور مستقیم

قدرتمندترین نوع راهکار مستقیم در دستور مستقیم است که در آن «پیام‌رسان بی‌هیچ واسطه‌ای به پیام‌گیر فرمان انجام کاری را صادر می‌کند» (Sridhar & Atawneh, 1993: 280). این نوع بیان که در آن، پیام‌رسان از نظر اجتماعی از مرتبه بالایی قدرتمندی برخوردار است و به خود اجازه می‌دهد نسبت به اشخاص پائین‌تر دستور دهد، «به‌عنوان کنش تهدیدآفرین در قبال وجهه مستقل مخاطب محسوب می‌شود» (مقدس‌ی‌نیا و سلطانی، ۱۳۹۳: ۲۲۱). بسامد استفاده از دستور مستقیم در گفتمان سوره نوح ۷ بار (۱۵٪) است که در بیشتر آن‌ها پیام‌رسان نسبت به پیام‌گیر از جایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار است و بافت کلام، استفاده از چنین ساختار زبانی را ایجاب می‌کند. این میزان استفاده از دستور مستقیم در گفتمان نوح (ع) نشان از آن دارد که گفتمان این سوره از ادبیت قابل توجهی برخوردار است. در زیر به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

آیه	پیام‌رسان	پیام‌گیر	بافت
أَنْزِلُ قَوْلَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ	خداوند	نوح	آمادگی نوح برای شروع دعوت الهی
اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا أَمْرًا	نوح	قوم نوح	دعوت به عبادت و پرهیزگاری
سَمِعُوا نوحًا يَدْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ	نوح	قوم نوح	لجاجت قوم نوح و دعوت آن‌ها به طلب آموزش
لَا تَدْرُونَ أَيُّكُمْ	قوم نوح	قوم نوح	اصرار بر لجاجت توسط قوم نوح

از جمله مبانی مهم گفتمان سوره نوح مدارا کردن با مخاطب و رعایت ادب و احترام در گفتار و رفتار است. این امر در میزان استفاده اندک از راهکار گفتمانی دستور مستقیم مشهود است. نوح اولین پیامبری است که برای اقامه توحید علیه بت‌پرستی قیام کرد. آنچه از آیات

الهی برمی‌آید آن است که محصول رسالت نوح (ع) نهی از عبادت غیر خداست، از طریق بیم دادن و ترساندن؛ لذا وی قوم خود را از بت‌پرستی نهی و آنان را از عاقبت این کار بیم می‌داد «اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ». علت آنکه نوح مردم را از عذاب الهی می‌ترساند آن بود که آن‌ها از ترس غضب بت‌ها، بت‌پرستی می‌کردند و نوح نیز مردم را به اطاعت از خود فرامی‌خواند؛ بنابراین از دستور مستقیم «وَأَطِيعُوا» استفاده نمود. این بدان منظور بود که بتواند به راحتی مردم را به راه راست هدایت کند. قوم نوح قبل از بعثت نوح بر اساس شواهد قرآنی بت‌پرست بودند. نوح هنگامی به بعثت رسید که تباهی زمین را فرا گرفته بود و او مردم را به خدا دعوت می‌کرد؛ ولی کسی قبول نمی‌کرد. به همین جهت در برخی از آیات این سوره دستور مستقیم در گفتمان دعوت نوح (ع) به کار رفته است؛ اما این امر با مدارا کردن و رعایت ادب منافاتی ندارد. در فرهنگ اسلامی نیز بر این امر مهم تأکید می‌شود؛ به‌عنوان مثال وقتی پیامبر (ص)، امیر مومنان (ع) و معاذ را برای تبلیغ به یمن روانه ساخت، آن دو را به رفتار نیک و سخن آمیخته با بشارت دستور داد: «انطلقا فَبَشِّرَا وَلَا تَنْقُرَا وَلَا تَعْسُرَا» (عاملی، ۱۹۸۹: ۴۳۰/۱۱) ترجمه: «مردم را مژده و بشارت دهید و آن‌ها را از خود مرانید، بر آن‌ها سهل و آسان بگیرید نه سخت و دشوار». حضرت صادق (ع) نیز در این زمینه می‌فرماید: «فَارْغَبُوا النَّاسَ فِي دِينِكُمْ» (المجلسی، ۱۹۷۲: ۱۱۱/۷۵) ترجمه: «مردم را در دین و عقاید خود ترغیب و تشویق نمایید».

در آیات قرآن بر رعایت ادب و نرمی در سخن به‌ویژه در دعوت و امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است؛ زیرا این امور نیازمند سخنی است که از نظر ظاهری باید نرم باشد تا همانند آب، اندک اندک بر دل‌ها نفوذ کند. خداوند همان طوری که در یک دستور کلی می‌فرماید: «وقولوا للناس حسنا» (بقره: ۸۳)، در آیات دیگر نیز نشان می‌دهد که این سخن نیک باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند تأثیر خود را بگذارد. این روش موجب جلب قلوب و تأثیر سخن در جان‌های مردم می‌شود.

#### ۲-۱-۲-۲. پرسش مستقیم

پرسش مستقیم بالاترین حد آمرانگی را بعد از امر مستقیم تداعی می‌کند. در این راهکار گفتمانی که پیام‌گیر از موضع قدرت به پیام‌رسان می‌نگرد و منتظر پاسخ مستقیم «بله» یا «خیر» از پیام‌گیر است، «کم‌ترین فاصله میان درخواست و اجابت آن ایجاد می‌شود» (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۵). بنابراین این نوع بیان، از وضعیت ادب‌مندی دور است. لازم به ذکر است که در سوره نوح هیچ گفتمانی از پرسش مستقیم استفاده نشده است؛ لذا عدم استفاده از این راهکار گفتمانی نیز بر ادبیت گفتمان سوره نوح دلالت دارد.

#### ۳-۱-۲-۲. گفت‌کنش

گفت‌کنش گونه‌ای از سخن است که در آن پیام‌رسان از موضع قدرت سخن می‌گوید؛ لذا «صرف گفتار به معنی عمل به آن گفته محسوب می‌شود» (Waradhaugh، ۱۹۹۲: ۲۸۳؛ به‌نقل از: عبداللهی و همکاران: ۱۳۵). به دیگر سخن، در این نوع بیان که غالباً «در زمان حال و به صیغه اول

شخص مفرد بیان می‌شود» (Austin, 1962: 15)، همزمان با این‌که سخن گفته می‌شود تحقق عمل نیز قطعی خواهد بود. لازم به ذکر است که اگر گفت‌کنش از پیام‌رسانی با جایگاه اجتماعی بالا به پیام‌گیری با جایگاه اجتماعی پایین ارسال شود، آن سخن ادب‌مند است. عکس این قضیه نیز دال بر غیرمؤدبانه بودن آن پیام دارد.

کنش‌های گفتاری‌ای که دال بر قول دادن، معذرت خواستن، نامیدن، شرط بستن، قسم خوردن، موافقت کردن، هشدار دادن، پافشاری کردن، پذیرفتن و امتناع کردن باشد، در زمره گفت‌کنش‌ها قرار می‌گیرد.

در سوره نوح به دلیل این‌که میان کارگزاران اجتماعی گفتمان، فاصله اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برقرار است؛ لذا در برخی از آیات این فاصله اجتماعی با گفت‌کنش‌هایی که دال بر اصرار و پافشاری و هشدار و امتناع است، تعبیر می‌شود. میزان استفاده از این راهکار گفتمانی در سوره نوح ۱۱٪ است که در زیر به برخی از مصادیق آن اشاره می‌شود:

آیه	پیام‌رسان	پیام‌گیر	بافت
ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَهْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا	نوح	خداوند	پافشاری نوح در دعوت فومش
مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا	نوح	قوم نوح	شکایت نوح از انکار و پافشاری قومش بر مخالفت
أَمْ تَرَوُنَّ كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا	نوح	قوم نوح	لجاجت قوم نوح و دعوت آن‌ها به طلب آمرزش

## ۲-۲-۲. راهکارهای گفتمانی غیرمستقیم

در راهکار غیرمستقیم، فاصله اجتماعی میان پیام‌رسان و پیام‌گیر ایجاد می‌کند که پیام‌رسان «منظور خود را با ابهام و به‌طور غیرمستقیم بیان کند» (کادۀ، ۲۰۱۴: ۱۸۰). در گفتمان روزانه از این نوع راهکار به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شود؛ زیرا «فاصله اجتماعی میان افراد سبب می‌شود تقاضاها از شکل آمرانه‌بودن به ساختاری غیرمستقیم تغییر یابد. این تغییر راهکار، به مؤدبانه‌تر شدن سخن می‌انجامد» (matsuura, 1998: 35).

در این راهکار گفتمانی «پیام‌رسان به‌هنگام طرح خواسته‌اش احساس اجبار نمی‌کند؛ لذا پیامش تهدیدی برای اعتبار اجتماعی پیام‌گیر نخواهد داشت» (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۶۷). راهکار غیرمستقیم به دو بخش کلی درخواست و اشاره تقسیم می‌گردد.

## ۲-۲-۲-۱. درخواست

درخواست از جمله راهکارهای گفتمانی مؤدبانه است که «شامل بیان یا انجام کار صحیح و صدمه نزدن به احساسات یا عزت نفس مخاطب است» (Ukosakul, 2005: 120). این راهکار گفتمانی یا به تأیید و تقویت اعتبار اجتماعی مخاطب منجر می‌شود و یا از تجاوز به حریم و آزادی عمل مخاطب و تحمیل به وی پرهیز می‌کند (Watts, 2003: 12). کنش‌های گفتاری که دال بر پیشنهاد، کسب اطلاع، تعجب، آرزو، دستور غیرمستقیم، پرسش غیرمستقیم، تهدید و استفهام انکاری هستند، از نوع

درخواست به‌شمار می‌آیند. این راهکار بالاترین بسامد (۴۱٪) را در گفتمان سوره نوح به خود اختصاص داده است. این میزان کارکرد می‌تواند تأکیدی بر این باشد که گفتمان این سوره از میزان قابل توجهی از ادبیت برخوردار است و همچنین گفتمان نوح (ع) به‌عنوان دعوت‌دهنده به‌سوی حقیقت می‌تواند الگوی زبانی مناسب برای دیگر دعوت‌کنندگان تلقی گردد. در زیر به برخی از راهکارهای گفتمانی دال بر درخواست در این سوره اشاره می‌شود:

آیه	پیام‌رسان	پیام‌گیر	بافت
قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ	نوح	قوم نوح	پیشنهاد مؤدبانه نوح به قومش مبنی بر ایمان آوردن
قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَبَّاءُ وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا	نوح	خداوند	گزارش نوح درباره شیوه دعوتش
وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيُغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْصَمُوا بِئَابَتِهِمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا السُّكْبَارًا	نوح	خداوند	گزارش نوح درباره شیوه دعوتش و مخالفت آگاهانه قوم نوح در پذیرش حق
قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَأَتَّبِعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ قَوْلَهُ وَوْلَادَهُ إِلَّا خَسَارًا	نوح	خداوند	گزارش نوح درباره شیوه دعوتش و مخالفت آگاهانه قوم نوح در پذیرش حق
مَّا خَطَبْتَهُمْ أَغْرَبُوا فَأَدْجَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مَن دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا	خداوند	نوح	بیان مؤدبانه عاقبت نافرمایان از دعوت حق

نظام گفتمانی آیات فوق بیانگر توانایی پیام‌رسان و پیام‌گیر برای گفتگو است که در آغاز با کنش اتفاق می‌افتد. «کنش، عملی است که

کنشگر با برنامه‌ای تعیین شده و هدفمند در مواجهه با عوامل دنیای بیرون با منطق و استدلال انجام می‌دهد» (رضایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۸). در این آیات علی‌رغم این که کنش‌گزار خداوند است؛ اما کنشگر اصلی نوح است که حامل پیام کنش‌گزار است؛ لذا محور اصلی داستان در ارتباط با کنش‌گزار و پیام اوست. «هسته مرکزی روایت را کنشی تشکیل می‌دهد که به دنبال کسب ارزش در گفتگویی تعاملی یا سازنده است» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۹).

محرک کنش (نوح) با رعایت ادب و حفظ جایگاه اجتماعی پیام‌گیر به سراغ شخصیت‌های محوری (قوم نوح) می‌رود که از نظام ارزشی، آگاهانه یا غیرآگاهانه دورند. در این نظام ارزشی، گاه نوح نیز به انجام کار مهمی از جانب خداوند دعوت می‌شود و به واسطه شرایطی که در آن واقع می‌شود، خصلت‌ها و کنش‌هایی از خود بروز می‌دهد که در وهله نخست خارج از ادبیت تعریف می‌شود؛ اما با تعبیر ساختار زبانی گفتمان، ادبیت گفتگوی رایج از جانب نوح در قالب درخواست‌های مؤدبانه به پیام‌گیر منتقل می‌گردد. چنین نظام گفتمانی نشانگر ادبیت سوره نوح است.

در توضیح باید افزود اگرچه در برخی از آیات قرآن به مسئله جدال تأکید شده است؛ اما قرآن با وجود این که تکیه‌گاه نخست مباحث تربیت و تبلیغ است در کنار حکمت، برهان و موعظه حسنه، اتخاذ روش جدال به نیکوترین وجه را به پیامبر و مؤمنان دستور داده است. در کاربرد قرآنی، جدال به معنای رویارویی و

کشمکش گفتاری است که به دو روش احسن و غیراحسن انجام می‌شود و تنها نوع احسن آن، مجاز است و آیات به آن سفارش کرده‌اند. از طرفی، با جمع‌بندی آیات و رهیافت‌های لغوی و تفسیری، «جدال احسن قرآنی یا جدال به نیکوترین روش، نوعی از گفتگو میان مؤمنان و مخالفان است که بر انگیزه و هدف الهی، مقدمات صحیح و مقبول نزد دو طرف و روش‌های پسندیده و رعایت اخلاق نیکو به ویژه آداب مناظره متکی باشد» (عباسی مقدم و فلاح، ۱۳۹۷: ۴۵).

#### ۲-۲-۲-۲. اشاره

اشاره مؤدب‌ترین راهکار گفتمانی به‌شمار می‌آید و به گونه‌ای از سخن اطلاق می‌شود که در آن «پیام‌رسان به دلیل فاصله اجتماعی مطلوبی که با پیام‌گیر دارد، مقصودش را بدون اشاره مستقیم به آنچه می‌خواهد به دست آورد، مطرح می‌کند» (هدایت، ۱۳۸۴: ۲۷).

پیام‌گیر به محض دریافت پیام، «این توانایی را دارد که مقصود پیام‌رسان را از آن درک نماید» (Economidou, 2002: 21)؛ لذا اعتبار اجتماعی وی خدشه‌دار نخواهد شد. راهکار گفتمانی اشاره این امکان را به پیام‌رسان می‌دهد که «بیش از آنچه عملاً می‌گوید، درخواست کند و از ایجاز به منظور ایجاد فاصله و در نتیجه ادب‌مندی بهره‌مند شود» (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶). در سوره نوح از این راهکار گفتمانی ۱۵ بار (۳۳٪) استفاده شده است. در زیر به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

بیشتر خواهند کرد و در پذیرش دعوت  
بیش از پیش مخالفت خواهند کرد.

این کارکرد گفتمانی از جانب نوح با دستور  
صریح خداوند در آیه ۵۳ سوره اسراء همخوانی  
دارد؛ آن جا که می فرماید: «قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي  
هِيَ أَحْسَنُ». مفسرین در تفسیر این سوره بر اشاره  
ضمنی این آیه به گفتار تأکید دارند و معتقد  
هستند موصوف «التي» واژه «الكلمة» است. یعنی  
بالکلمة التي هي أحسن (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۵۸/۳؛  
فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۹۷/۳؛ مظفر نجفی، ۱۴۲۲:  
۱۱). بنابراین اهل ایمان همانگونه که باید در  
رفتار، متخلق به بهترین شیوه باشند در گفتار و  
گفتگو با دیگران نیز باید بهترین ساختار زبانی و  
گفتمانی را اتخاذ نمایند.

### نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه درباره راهکارهای گفتمانی  
در سوره نوح گفته شد، نتایج زیر به دست آمد:  
- گفتمان حاکم بر سوره نوح (ع) به جهت  
دربرداشتن لایه‌های متنی و وجوه معانی متعدد در  
گفتگوی میان نوح (ع) با قوم خود و خداوند،  
نشانه‌گر رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان  
پیام‌گیر و پیام‌رسان است. همچنین از آن‌جاکه در  
این سوره گفتگو نقش محوری دارد و بافت  
ارتباطی میان پیام‌رسان و پیام‌گیر نیز حاکی از  
فضای غیررسمی میان آن‌هاست؛ لذا ساختار  
زبانی گفتمان آن، چندوجهی و مؤدبانه است.

- در سوره نوح به علت ایجاد فضایی  
غیررسمی برای گفتگو میان طرفین ارتباط  
(خداوند ← نوح؛ نوح ← خداوند؛ نوح ← قومش)،  
رفتار کلامی آن‌ها بیشتر در جهت حفظ اعتبار

آیه	پیام‌رسان	پیام‌گیر	بافت
يَخُوفُ لَكُمْ مِّنْ دُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى	نوح	قوم نوح	بیان مؤدبانه عاقبت خوب برای کسانی که ایمان بیاورند
إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا حَاءَ لَا يُؤَخَّرُ	نوح	قوم نوح	تهدید غیرمستقیم و مؤدبانه نسبت به تأجل در ایمان آوردن
إِنَّهُ كَانَ عَفَاظًا	نوح	قوم نوح	بیان مؤدبانه عاقبت خوب برای کسانی که ایمان بیاورند
يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمَدِّدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَابٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا	نوح	قوم نوح	بیان غیرمستقیم شکرگزاری نسبت به نعمت‌های خداوند و در نتیجه ایمان آوردن به خدا
وَجَعَلَ الْغَمْرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ السَّمْسُ بِيْرَاجًا	نوح	قوم نوح	بیان غیرمستقیم شکرگزاری نسبت به نعمت‌های خداوند و در نتیجه ایمان آوردن به خدا
وَاللَّهُ أَنْتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا. ثُمَّ يُجِيدُكُمْ فِيهَا وَيَخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا. وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا. بِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاخًا	نوح	قوم نوح	بیان غیرمستقیم شکرگزاری نسبت به نعمت‌های خداوند و در نتیجه ایمان آوردن به خدا

نوح در آیات فوق با رعایت ادب و احترام و  
حفظ جایگاه مخاطب (قوم خود)، آن‌ها را به  
سوی خداوند فرامی‌خواند. او از آن‌ها می‌خواهد  
که این دعوت را بپذیرند؛ زیرا پذیرش دعوت  
حق به منفعت دنیوی و اخروی آن‌هاست. نوح  
برای این‌که قومش را قانع کند از نعمت‌های  
مختلفی که خداوند متعال برای آن‌ها در زمین و  
آسمان فراهم کرده‌است یادآوری می‌کند.  
ساختارهای زبانی که در عبارات نقل‌شده از نوح  
(ع) مورد استفاده قرار گرفته است، ساختاری  
غیرمستقیم و اشاره‌گونه است؛ زیرا نوح کاملاً  
نسبت به مخاطب آگاهی دارد و این‌که اگر با  
ساختاری مستقیم و یا دستور و پرسش مستقیم  
پیامی (راهکار گفتمانی مستقیم) آن‌ها را مورد  
خطاب قرار دهد، آن‌ها لجاجت و عناد خود را

- عاملی، حرّ (۱۹۸۹م). وسائل الشيعة في تحصيل مسائل الشريعة. ط ۲. قم: الحكمة.  
 - فیض کاشانی، ملا حسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. ط ۲. طهران: الصدر.  
 - القحطانی، سعد محمد؛ الیاشی، محمد ناصر (۲۰۱۶م). «أساليب الاعتذار لدى متعلّمي اللغة العربية». الجزائر: الحكمة. المجلد ۴. العدد ۸. صص ۶۰-۹۳.

- کادة، لیلی (۲۰۱۴م). «الاستلزام الحواری فی الدرس اللسانی الحدیث: طه عبدالرحمن أنموذجاً». جامعة مولود معمري: الممارسات اللغوية. العدد ۲۱. صص ۱۶۹-۱۹۴.

- لهویمیل، بادیس (۲۰۱۳م). «السياق ومقتضى الحال فی مفتاح العلوم: متابعة تداولية». جامعة لسكرة: المخبّر. السنة ۴. العدد ۹. صص ۱۸۳-۱۶۵.

- المجلسی، محمد باقر (۱۹۷۲م). بحار الأنوار. ط ۴. طهران: المكتبة الإسلامية.

- مظفر نجفی، محمد حسن (۱۴۲۲ق). دلائل الصدق لنهج الحق. ط ۱. قم: آل البيت.

(ب) منابع فارسی

- ابوزهره، محمد (۱۳۷۰ش). المعجزة الكبرى. ترجمه: ذبیحی، محمد. ج ۱. تهران: آستان قدس رضوی.

- رضایی، رویا و دیگران (۱۳۹۶ش). «بررسی و کارکرد یادگفتگمانی نامه‌های نیما یوشیج». دانشگاه خوارزمی: زبان و ادبیات فارسی. دوره ۲۵. شماره ۸۲. صص ۱۳۴۰۱۵۳.

- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۶ش). «شیوه‌شناسی زبان قرآن». دانشگاه الزهراء: تحقیقات علوم قرآن و حدیث. دوره ۴. شماره ۸. صص ۵-۲۳.

- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲ش). نشانه-معناشناسی دیداری: نظریه و تحلیل گفتگمان هنری. ج ۲. تهران: سخن.

- عباسی مقدم، مصطفی؛ فلاح، محمد (۱۳۹۷ش). «معناشناسی و ملاک شناسی جدال احسن قرآنی». دانشگاه اصفهان: پژوهش‌های

اجتماعی پیام‌گیر قرار می‌گیرد، تا به‌عنوان کنش تهدیدآفرین آن. به‌همین منظور هرچه بیشتر از راهکار گفتگمانی غیرمستقیم استفاده شود، نظام گفتگمانی سوره به سمت ادبیت سوق پیدا می‌کند. جدول زیر گویای این مدعاست:

جمع	راهکار غیرمستقیم		راهکار مستقیم			بسامد
	درخواست	اشاره	پرسش مستقیم	گفت‌کنش	دستور مستقیم	
کل	۱۹	۱۵	۰	۵	۷	
بسامد	۱۹	۱۵	۰	۵	۷	۶۶
درصد	۴۱٪	۳۳٪	۰٪	۱۱٪	۱۵٪	۱۰۰٪
	۷۴٪		۲۶٪			

منابع

قرآن کریم

الف) منابع عربی

- بومزیر، الطاهر (۲۰۰۷م). التواصل اللسانی والشعرية. ط ۱. الجزائر: الاختلاف.

- بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل وأسرار التأویل. ط ۱. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- حمراوی، محمد (۲۰۱۵م). «نظرية التأدب فی اللسانیات». دمشق: مجلة ألف. السنة ۳. العدد ۴. صص ۱۳۱-۱۴۰.

- زیدان، جرجی (۱۸۸۶م). العربية والفلسفة اللغوية. ط ۳. بیروت: مطبعة القديس.

- السامر، سوسن فیصل (۲۰۱۲م). «التهدیب الكلامی: دراسة اجتماعية تداولية». جامعة بغداد: مجلة الأستاذ. العدد ۲۰۳. صص ۱-۳۷.

- الشهری، عبدالهادی (۲۰۰۴م). استراتيجيات الخطاب مقارنة لغوية تداولية. ط ۱. بیروت: دارالكتاب الجديد المتحدة.

- Grebe, Nadja (2009). **Politeness: A Theoretical Review of Brown and Levinson's Politeness Theory**. Germany: Grin Verlag.
  - Matsuura, H (1998). "Japanese EFL Learners, Perception of Politeness in low imposition requests". **JALT Journal**. 20 (1), pp. 33-48.
  - Molinié & Pierre Cahné (1998). **Sémiostylistique**. Paris: PUF.
  - Mounin, G (۱۹۷۴). **Dictionnaire de la linguistique**. Paris: PUF.
  - Riffaterre, M. (1979). **La production du texte**. Paris: Seuil. Todorov, T. (1970). **Introduction à la littérature fantastique**. Paris: Seuil.
  - Spencer-Oatey, H. (1996). "Reconsidering power and distance". **Journal of Pragmatics**. Vol. 26. Pp. 1-24.
  - Sridhar, S & Atawneh, A (1993). "Arabic-English Bilinguals and the Directive Speech Act". **World Englishes**. N. 12. 3. Pp. 279-297.
  - Thomas, J. (1995). **Meaning in interaction: An introduction to pragmatics**. New York: Longman.
  - Ukosakul, M. (2005). "The Significance of Face and Politeness in Social Interaction as Revealed through Thai Face Idioms". **Broadening the Horizon of Linguistic Politeness**. R.T. Lakoff & S. Ide (eds.). Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company. pp. 117-128.
  - Waradhaugh, Ronald (1992). **An Introduction to Sociolinguistics**. Hoboken: Blackwell Publishers.
  - Watts, R. J. (2003). **Politeness**. Cambridge: Cambridge University Press.
  - زبانشناختی قرآن. دوره ۷. شماره ۱۳. صص ۴۵-۶۴.
  - عبداللهی، منیژه و همکاران (۱۳۹۳ش). «بررسی فیلم کلاه قرمزی و پسر خاله از منظر ادب‌مندی». دانشگاه شیراز: **مطالعات ادبیات کودک**. سال ۵. شماره ۲. صص ۱۲۹-۱۵۲.
  - فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴ش). **پژوهشی در نظم قرآن**. چ ۱. تهران: جهاد دانشگاهی.
  - لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۶۲ش). «بررسی زبان مؤدبانه در فارسی کنونی از نظر جامعه‌شناسی زبان». **مجله ادبیات و زبان‌ها**. شماره ۶۲. صص ۲۷۱-۲۹۲.
  - مقدسی‌نیا، مهدی؛ سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۹۳ش). «کاربردشناسی زبان و سازوکارهای ادب‌ورزی در برخی ادعیه شیعه». دانشگاه تربیت مدرس: **جستارهای زبانی**. سال ۵. شماره ۵. صص ۲۰۷-۲۲۸.
  - هدایت، ندا (۱۳۸۴ش). «تأثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا: پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی زبان». جهاد دانشگاهی: **پژوهش زبان و ادبیات فارسی**. سال ۲. شماره ۴. صص ۱۷-۴۰.
- (ج) منابع لاتین
- Austin, John langshaw. (1962). **How to do things with words**. London: Oxford University Press.
  - Brown, P. and Levinson, S. (1987). **Politeness: Some universals in language usage**. Cambridge University Press.
  - Economidou\_Kogetsidis, Maria (2002). **Requestive Strategies in English and Greek : Observations from an Airline's Call Centre**. Nottingham Linguistic Circular 17.
  - Goatly, A (1995). "Directness, indirectness and difference in the language of classroom management: advise for teacher trainees". **IRAL**, 33, pp. 267-284.